

Checking the Name of the Book *Shikand Gumānīk Vichār* and the Reason for Naming the Book with this Name

Poorchista Goshtasbi Ardakany*

Abstract

In this research, the name of the book *Shikand Gumānīk Vichār* and the reason for naming the book with this name are examined. As *Mardān Farōkha* mentioned in the 10th chapter of his book, he traveled to India, and it can be assumed that he wrote the book after his trip to India and gave the name of the book in Hindī or Gujarātī language. In this research, the name of the book and the reason for its naming will be searched and investigated in Hindī and Gujarātī languages and *Dastur Neryosang's* Sanskrit translation. According to the findings, after traveling to India, *Mardān Farōkha* has settled there and has written the book in India and he named the book in Gujarātī as *Skandagumānīgujāra*, and the reason for writing and naming the book, which *Mardān Farōkha* mentioned as *pa gumā vazārī i nō amōžaga*, also *gumān vicārī/wacārī* is in Gujarātī language. It was also found in this research that specific names such as "*Adarpādyāvandān*", which *Mardān Farōkha* mentions from his book as one of the sources he used, and the name of the author himself and a person named "*Mihirayār*" who raised questions in the book, are among the names of the Pārsīs of India.

Keywords: *Shikand Gumānīk Vichār*, Pāzand, Pahlavi, Hindī, Gujarātī, Hindī and Gujarātī compound word.

* Ph.D. Candidate of Ancient Iranian Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran,
Iran, poorandoxt.m@gmail.com

Date received: 2023/01/08, Date of acceptance: 2023/03/25



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی نام کتاب شِکند گمانیک ویچار و دلیل نامگذاری کتاب با این نام

پورچیستا گشتاسبی اردکانی*

چکیده

در این پژوهش نام کتاب شِکند گمانیک ویچار و دلیل نامگذاری کتاب با این نام مورد بررسی قرار می‌گیرد. چنانکه مردان فروخا در فصل دهم کتاب خود ذکر کرده، به هندوستان سفر کرده است و می‌توان احتمال داد که کتاب را پس از سفر به هندوستان تألیف کرده و نام کتاب را نیز از زبان هندی یا گجراتی بر کتاب نهاده است. در این پژوهش نام کتاب و دلیل نامگذاری آن، در زبان هندی و گجراتی و ترجمه سنسکریت دستور نریوسنگ، مورد جستجو و بررسی قرار خواهد گرفت. بر اساس یافته‌ها، مردان فروخا پس از سفر به هندوستان، آنجا اقامت گزیده و کتاب را در هندوستان تألیف کرده است و نام کتاب را از زبان گجراتی به صورت Skaṇḍagumānīgujāra بر کتاب خویش نهاده است، و سبب نوشتن و نامگذاری کتاب که مردان فروخا به صورت pa gumaṇ vazarī i nō amōžaga ذکر کرده است، gumān vicārī/wacārī نیز به زبان گجراتی است. همچنین در این پژوهش مشخص شد که اسامی خاصی مانند «آدرپادیانندان» که مردان فروخا از کتاب او به عنوان یکی از منابعی که از آن بهره‌جسته‌یاد می‌کند و نام خود نویسنده و شخصی به نام «مهرایار» که در کتاب پرسش‌هایی را مطرح کرده است، از نام‌های پارسیان هند هستند.

کلیدواژه‌ها: شکند گمانیک ویچار، پازند، پهلوی، زبان هندی، زبان گجراتی، واژه مرکب هندی و گجراتی.

* دانشجوی دکتری زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
poorandoxt.m@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۵



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

کتاب *شکند گمانیک ویچار*، اثر فلسفی و کلامی ارزشمندی از مردان فرّوخا پسر هَرَمِزددات است که متن پازند و ترجمه سنسکریت آن در دست است. متن پهلوی کتاب از میان رفته است و بعدها در دوران متأخرتر، پنج فصل نخست آن از پازند به پهلوی برگردانده شده است. این کتاب یکی از آثاری است که در آن نویسنده در دفاع از باورهای دین مزدیسنی مطالبی را مطرح می‌کند. کتاب *شکند گمانیک ویچار* دارای شانزده فصل است. فصل نخست دیباچه‌ای است که نویسنده در آن پس از ستایش اورمزد و امشاسپندان و آوردن مطالبی درباره آفرینش جهان و انسانها و دین، درباره تصمیم گرفتن برای نگارش این کتاب، نام کتاب و همچنین دلیل نامگذاری کتاب با این نام مطالبی را عنوان می‌کند. پازنده فصل بعدی کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول شامل فصل دوم تا پایان فصل دهم است که نویسنده در آن به اثبات باورهای زردشتی می‌پردازد و مطالب این بخش به صورت پرسش و پاسخ میان شخصی به نام «مهرآیار مهمادان» و نویسنده کتاب است. بخش دوم کتاب شامل فصل‌های یازدهم تا شانزدهم است که نویسنده در آن به بررسی دین‌های دیگر با روشنگری و با استناد به نوشته‌های دینی آنها می‌پردازد. از مطالب کتاب پیداست که وی از عقاید فرقی که با آنان به جدل پرداخته آگاهی کامل داشته است. مطالب قرآن را خوانده است و به عقاید معتزله نیز اشاره می‌کند و در فصل‌های مربوط به دین یهودیت و مسیحیت، از مطالب کتاب مقدس بهره جسته است. همچنین از عقاید مانویان نیز آگاهی داشته و از اسطوره آفرینش مانوی کاملاً آگاه است. در فصل دهم کتاب، نویسنده از علاقه خود به پژوهش در دین‌های دیگر می‌گوید و به سفر خود به جاهای گوناگون و همچنین سفر به هندوستان اشاره می‌کند و می‌نویسد که نمی‌خواسته دین زردشتی را بدون استدلال و منطق به گونه‌ای موروّثی بپذیرد، برای همین آثار نویسندگان گوناگونی را در این راه مطالعه کرده است. *شکند گمانیک ویچار* را یک دانشمند زردشتی هندی به نام دستور نریوسنگ دهاول به زبان سنسکریت ترجمه کرده است و دو نسخه قدیمی خطی از متن پازند با همین ترجمه سنسکریت را، ادوارد ویلیام وست اساس کار خود قرار داده و در سال ۱۸۸۵ میلادی، آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است و در سال ۱۸۸۷ متن پازند و ترجمه سنسکریت را با تصحیح و فرهنگ واژگان، با همکاری دستور هوشنگ جاماسب جی جاماسب آسانا در بمبئی به چاپ رسانده است. دومناش، استاد دانشگاه فرایبورگ هم این کتاب را با آوانویسی صورت پهلوی آن و ترجمه به فرانسه و شرح و توضیح به همراه فرهنگی از صورت پهلوی واژه‌های آن، به سال ۱۹۴۵ میلادی در سوئیس به چاپ رسانیده است. صادق

بررسی نام کتاب شکند گمانیک ویچار ... (پورچیستا گشتاسی اردکانی) ۲۰۵

هدایت چهار فصل پایانی را در کتابی به نام «گزارش گمان‌شکن» به پارسی برگردانده و بر آن مقدمه‌ای در ۱۴ صفحه نوشته است. دکتر ژاله آموزگار فصل‌های اول تا هفتم و نهم را ترجمه کرده و در مجموعه مقالات در دو کتاب به نام‌های «از گذشته‌های ایران» و «زبان، فرهنگ و اسطوره» به چاپ رسانده است. دکتر پروین شکیبا شرح و ترجمه کامل متن پازند «شکند گمانیک ویچار» را در ایلینویز آمریکا به چاپ رسانده است. پایان نامه کارشناسی ارشد محمدرضا خسروی، ترجمه پنج فصل نخست کتاب شکند گمانیک ویچار بوده است. ساموئل تروپ نیز پایان‌نامه خود را با عنوان *Contradictions and Vile Utterances: The Zoroastrian Critique of Judaism in the Škand Gumānīg Wizār* در سال ۲۰۱۵ رهام آشه در سال ۲۰۱۵ کتابی را با نام *Šak-ud-Gumānīh-Vizār. the Doubt-Removing Book of Mardānfarrox* در پاریس منتشر کرده است که شامل مقدمه‌ای درباره کتاب، ترجمه و آوانویسی همه فصل‌ها به همراه یادداشت‌هایی به صورت پانویس است. کارلو چرتی مقالاتی درباره کتاب شکند گمانیک و زار دارد. تیموس و رافائلی نیز مقالاتی در مورد کتاب شکند گمانیک و زار دارند.

هدف از انجام این پژوهش کشف و بررسی نام کتاب شکند گمانیک ویچار و دلیل نامگذاری کتاب با این نام است. چون مردان‌فروخا در فصل دهم کتاب خود آورده که به هندوستان سفر کرده است، این فرضیه وجود دارد که کتاب را در هندوستان تألیف کرده باشد و نام کتاب را نیز از زبان هندی یا از زبان گجراتی که پارسیان هند بدان سخن می‌گویند، بر کتاب خود نهاده باشد. همچنین دلیل نگارش و نامگذاری کتاب که مردان‌فروخا در فصل اول کتاب خود ذکر کرده است، در زبان هندی و گجراتی مورد جستجو و بررسی قرار می‌گیرد. همچنین مردان‌فروخا نام‌های خاصی را در کتاب آورده است که احتمال دارد نام اشخاص هندی باشند یا نام‌های پارسیان هند باشند، بدین سبب این نام‌ها نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود نام‌ها هندی یا پارسی هستند یا نتیجه دیگری از بررسی آن‌ها گرفته خواهد شد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی است که در آن نام کتاب شکند گمانیک ویچار و دلیل نامگذاری کتاب با این نام و نام‌های خاص ذکر شده توسط نویسنده در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد، بدین سبب، روش گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای است. داده‌ها، پس از گردآوری، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. برای بررسی نام کتاب و دلیل نامگذاری آن،

نخست متن پازند و پهلوی مربوط به آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. سپس نام کتاب و دلیل نامگذاری آن را در زبان هندی و زبان گجراتی جستجو می‌کنیم و در نهایت آنها را در ترجمه سنسکریت دستور نریوسنگ می‌یابیم و در زبان سنسکریت هر یک را مورد جستجو قرار می‌دهیم تا ساختار نام کتاب و دلیل نامگذاری کتاب با این نام و همچنین معانی هر یک را بیابیم. برای بررسی نام‌های خاص ذکر شده توسط نویسنده در کتاب شکند گمانیک ویچار، نخست نام‌ها را در متن پازند و پهلوی کتاب مورد بررسی قرار می‌دهیم و پس از آن، در فهرست نام‌های هندی جستجو می‌کنیم تا مشخص شود این نام‌ها در کشور هند مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر، و اگر در هند کاربرد دارد، پیروان چه مذهبی از این نام‌ها برای نامیدن فرزندان خود استفاده می‌کنند و معنی هر یک از نام‌ها در زبان هندی و گجراتی پاریسی چیست. همچنین در بررسی این نام‌های خاص، کتاب‌هایی را که در مورد نام‌های پاریسی نوشته شده است، برای این نام‌ها جستجو می‌کنیم. نام کتاب و دلیل نامگذاری آن و نام‌های خاص مورد بررسی قرار گرفته در این پژوهش، همگی واژه‌های مرکب هندی و گجراتی هستند که هر یک از چند واژه شکل گرفته‌اند، و در این پژوهش، اجزای این ترکیبات، یک به یک مورد تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت.

۳. نام کتاب و دلیل نامگذاری کتاب با این نام در متن شکند گمانیک ویچار

در متن پازند و پهلوی بند ۳۸ از فصل نخست شکند گمانیک ویچار چنین آمده است:

38 vaem īn aṅgirdī gawəšna i azaš hast pursašni i rāstī-kāmagā vaš əž niwē u ayādagār i pēšīnī dānāgā rāsta dastūra u namčišt a i hūfarward Ādar-pādyāwaṅdā čīdan vazīdan o īn ayādagārā Škañd-gumānī-vazār nam nahāṭ (Jamasp-asana and West, 1887: 7,8).

38 u-m ēn hangirdīg gōwišnān ī az-iš ast pursišn ī rāstīh-kāmagān u-š az nibēg ud ayādgār ī pēšīnīg dānāgān rāstān dastwarān ud nāmcišt ān ī hufward Ādur-pādyāwandān čīdan wizīdan o ēn ayādgārān Škand gumānīk wačār/wičār nām nihād (Jamasp-asana and West, 1887: 185).

در اینجا ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا نام Ādar-pādyāwaṅdā در متن پهلوی به صورت Ādur-pādyāwandān نوشته شده است، بدین سبب باید در پاسخ بدین پرسش گفت: آذربایوندان یک نام هندی است که از دو جزء ādar و pādyāvandān ساخته شده است. همانطور که در متن پازند هم مشاهده می‌کنیم، نویسنده پازند بین دو قسمت این نام خط تیره

بررسی نام کتاب شکند گمانیک ویچار ... (پورچیستا گشتاسی اردکانی) ۲۰۷

آورده است، بدین معنی که این نام مرکب است و دو جزء آن متعلق به یک نام است. در زبان هندی و گجراتی این نام به صورت *Ādarpādyāvandān* کاملاً به هم پیوسته نوشته می‌شود و فاصله یا خط تیره ندارد و در خط هندی و گجراتی نیز پیوسته نوشته می‌شود. صورت پهلوی آن را می‌توان هم به صورت *Ādarpādyāvandān* و هم به صورت *Ādurpādyāvandān* در نظر گرفت. نام *Ādar* در فهرست نام‌های پارسیان آمده و به معنی «آتش، ایزد آذر» است (avesta.org/znames). در زبان هندی *Ādar* به معنی «۱. احترام، ارج؛ شرافت، فروتنی؛ ۲. برخورد محترمانه؛ توجه، ملاحظه؛ حرمت» است (McGregor, 2006: 85). *Ādarpadyāvand* یک نام اصیل هندی و مذکر است و اکثراً برای پسران پارسی به کار می‌رود. این نام گاهی با پسوندهای دیگر نیز به صورت *Ādarpādyāvand bhai* و *Ādarpādyāvandji* به کار می‌رود و این نام‌ها را اکثراً پارسیان هند برای نامیدن فرزند خود به کار می‌برند (Indiachildnames.com).

پسوند *-jī* از اوستایی *-jī* و فارسی *zīstan* «زندگی کردن» است و در پایان نام پسران به کار می‌رود و پسوند *bāi* در پایان نام دختران به کار می‌رود. اگر در روزی از ماه پارسی که نام ایزد است، فرزندی به دنیا بیاید، نام آن روز را بر او می‌گذارند و اگر پسر باشد پسوند *-jī* و اگر دختر باشد پسوند *bāi-* به آن می‌افزایند، به طور مثال اگر در روز مهر ایزد به دنیا بیاید، اگر پسر باشد *Meherji* و اگر دختر باشد *Meherbāi* نامیده می‌شود (Modi, 1922: 10-11). نام‌های شبیه به *Ādarpādyāvand* عبارتند از *Ādarburzinmeher*، *Ādarbahrām*، *Ādarfirōz*، *Ādarvān*، که این نام‌ها را نیز پارسیان هند برای نامیدن فرزندان پسر خود به کار می‌برند (Indiachildnames.com). در هند این نام را «آتش قدرت» معنی کرده‌اند (avesta.org/znames) و پژوهشگرانی نیز درباره نام‌های پارسی مطالبی را ذکر کرده‌اند (Modi, 1922: 10-11; Karaka, 1884: 162-163). اما با توجه به این نکته که نویسنده پازند برای نوشتن دو واژه «آدرپادیاونندان» و صفت «بدون قدرت» در متن پازند املائی متفاوتی را به کار برده است و اولی را به صورت *Ādar-pādyāwañdān* (Jamasp-asana and West, 1887: 8) و دومی را به صورت *awādyāwañd* (ibid.: 13) آورده است و دیگر اینکه در زبان پهلوی واژه *pādyāvand* صفت است و نه اسم، و به معنی «نیرومند، قدرتمند» (MacKenzie, 1986: 63) است، نگارنده این مقاله *Ādarpādyāvandān* را تشکیل شده از جزء اول *ādar* به معنی «آتش» و جزء دوم *pādyāvand* به معنی «پادیاب‌کننده» می‌داند که *-ān* که پسوند صفت نسبی است نیز بدان افزوده شده و به صورت *Ādarpādyāvandān* درآمده است. جزء نخست یعنی *ādar* از اوستایی *-atar* به معنی «آتش» است (Bartholomae, 1961: 312). در جزء دوم *pādyāv* به معنی «پادیاب، شستن و پاکیزه

ساختن چیزها با دعا خواندن باشد به لغت زند و پازند (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۶: ذیل مدخل «پادیاو»؛ برهان قاطع: ذیل مدخل «پادیاو») است و ظاهراً مشتق از اوستایی paity-āpəṃ (قید) «در جهت مخالف جریان آب» (>paii-āp) است (GNE 268, id. NPSSpr.159, Bartholomae Aiw 40 Horn) (حسن دوست، ۱۳۹۵، ج ۲: ۱۰۱۷)، که پسوند سازنده صفت فاعلی -and- که از اوستایی -ant- است، بدان افزوده شده است و همچنین به جزء pādyāvand، پسوند -ān- که سازنده صفت نسبی است در پایان آن افزوده شده است. بدین ترتیب می‌توان برای آن معنی «(منسوب به) پادیاب‌کننده آتش، تطهیرکننده آتش» در نظر گرفت. در سودگرنسک از کتاب نهم دینکرد نیز ذکر شده است که pādyāb-kardār وظیفه تطهیر کردن آتش را به عهده دارد (Madan, 1911: 797-8؛ تفضلی، ۱۳۹۷: ۶۲؛ گشتاسبی، ۱۳۹۹: ۵۴ و ۵۷). دکتر آموزگار این نام را آذرباد یاوندان خوانده است و برای صورت پهلوی ādurbādī yāwandān را آورده است (آموزگار، ۱۳۹۶: ۴۷۴). دکتر تفضلی نیز این نام را آذرباد یاوندان خوانده است و برای صورت پهلوی Ādurbādī Yāwandān را آورده است و ذکر کرده که قرائت و تلفظ این نام مورد تردید است و اطلاعاتی از احوال و آثار او نداریم (تفضلی، ۱۳۹۸: ۱۶۱). دو مناش این نام را به صورت Āturpāt *Yāwandān i خوانده است (De Menasce, 1945: 26). وست آن را در پهلوی به صورت Ātur-pādyāvand خوانده است و در پانویس همان صفحه و آژنه‌نامه -ān- را پسوند نسبت دانسته و آورده یا او پسر Ātur-pādyāvand است یا او Āturpād پسر (Yāwand) است (Jamasp-asana and West, 1887: 226). چرتی نیز این نام را به صورت Ādurbād Yāwandān آورده است (Cereti, 2014). آشه این نام را به صورت Ādarpādyāvandān آورده است، اما در یادداشت پانویس ذکر کرده است که: «Ādar son of pādyāvand? or, Ādarbād son of...?» (Asha, 2015: 6)، یعنی نمی‌دانسته که این نام به معنی آدر پسر پادیاوند است یا به معنی آذرباد پسر (یاوند) است و چنان که می‌بینیم نظری مشابه با وست ارائه کرده است و وی نیز اطلاع دقیقی از این نام و معنای آن نداشته است.

در متن پازند و پهلوی بند ۳۹ از فصل اول شکند گمانیک و بیچار چنین آمده است:

39 čuñ pa gumā vazārī i nō āmōžaga awīr āwāišnī hast awar bē dānastan i rāstī u vāfrīngānī u rāstī i vah θ dīn u aňdarg škōh i jaṭ-patkārā (Jamasp-asana and West, 1887: 8).

39 čiyōn pad gumān wačārīh/wičārīh ī nōg hammōzagān abēr abāyišnīg ast abar bē dānistān ī rāstīh ud wābarīgānīh ud rāstīh ī weh dēn ud andarag škōh ī juḍ-pahikārān (Jamasp-asana and West, 1887: 186).

۴. نام کتاب و دلیل نامگذاری کتاب با این نام در زبان هندی و گجراتی

چنان‌که گفته شد تا کنون بیشتر پژوهشگران نام کتاب را به معنی «گزارش گمان‌شکن» دانسته‌اند (آموزگار، ۱۳۹۶: ۴۶۹؛ تفضلی، ۱۳۹۸: ۱۶۱؛ فره‌وشی، ۱۳۹۰: ۵۳۵؛ هدایت، ۱۳۲۲: ۴-Jamasp-asana and West, 1887: 267). دومناش آن را «راه حل تعیین‌کننده تردیدها» معنی کرده است و بر روی صفحه نخست زیر نام کتاب LA SOLUTION DÉCISIVE DES DOUTES را آورده است (De Menasce, 1945: 1). چرتی برای آن معنی «شرح شکننده تردید» را آورده است (Cereti, 2014). آشه این نام را به صورت śak-ud-gumānīh-vizār در آورده است و «رفع‌کننده شک» معنی کرده است (Asha, 2015: 1). اما باید در نظر داشت که شک واژه‌ای عربی است و در صورت پازند دقیقاً śkañd آمده است و حتی در خط پهلوی هم śkand را داریم و نمی‌توان صورت پازند را بی‌جهت فقط به خاطر ندانستن معنی واژه تغییر داد. اصلاً متن پازند به این دلیل توسط پازندنویس نوشته شده است که واژه ناشناخته و گجراتی Śkañd یا Skañd توسط خوانندگان به صورت دیگری از روی خط پهلوی خوانده نشود. همان‌طور که می‌دانیم اصلاً پازند برای درست خواندن متون به وجود آمده است و اگر بخواهیم آنچه را که در متن پازند آمده است نادیده بگیریم، بدین مفهوم است که باید به همان اشتباه خواندن خط پهلوی و خواندن به صورت‌های متفاوت و نه آن چیزی که در نظر نویسنده کتاب بوده است، ادامه دهیم و متن‌های پازند را به کلی رها کنیم. کاری که بسیاری از پژوهشگران انجام داده‌اند و برای ارائه صورتی جدید از خوانش واژه، چندین صورت مختلف را از آنچه در متن پازند نیست، ارائه کرده‌اند. حال اگر به اجزای این ترکیب سه‌جزیی که در پازند آمده است بنگریم و بخواهیم واژگان آن را جداگانه بررسی کنیم، واژه gumānī که در پهلوی به صورت gumānīg است، در زبان پهلوی به معنی «مشکوک» است نه به معنی «گمان» (MacKenzie, 1986: 38). واژه śkañd نیز شاهی در پهلوی ندارد که بتوان معنی «شکستن» را از آن برداشت کرد و این که واژه vazār یا صورت پهلوی wičār را بخواهیم به صورت «گزارش» یا «رفع‌کننده» معنی کنیم، در این واژه مرکب از سه جزء، شاید این معنی را نداشته باشد. احتمال می‌دهیم نویسنده کتاب که به هندوستان نیز سفر کرده است، این واژه مرکب را که از سه جزء تشکیل شده است، از زبان هندی یا گجراتی در متن پازند آورده باشد. پس برای یافتن این نام در زبان هندی و گجراتی جستجو می‌کنیم.

واژه śkañd که در متن پازند و پهلوی شکند گمانیک ویچار آمده است، در هیچ‌یک از متون فارسی میانه نیامده است و برای نخستین بار در متن شکند گمانیک ویچار دیده می‌شود. در

زبان هندی واژه‌ای وجود دارد که به صورت Śikhaṇḍ نوشته می‌شود که با تلفظ آوایی śikaṇḍ و صورت śkaṇḍ که در متن پازند آمده است، مطابقت می‌کند. kha گونه‌ای از k در خط دوناگری است و به صورت k دمیسی (with aspiration) تلفظ می‌شود (Kumar, 2008: 2, 265). واژه Śikhaṇḍ در زبان هندی اسم مذکر به معنی «بالاترین درجه، ستیغ، اوج (= crest)» است (McGregor, 2006: 950). واژه gumānī در زبان هندی، صفت به معنی «۱. مشکوک، شبهه‌انگیز؛ مظنون؛ ۲. متکبر، مغرور، سرافرازکننده، افتخارآفرین» است (ibid.: 271). در زبان هندی واژه vicār، اسم مذکر به معنی «۱. اندیشه، تفکر؛ ۲. یک فکر، ایده؛ ۳. نظر، عقیده؛ ۴. روند اندیشه، دیدگاه؛ ۵. ملاحظه، رسیدگی (= consideration)؛ عقیده دینی، اعتقاد مذهبی (persuasion) (= religious)» است (Schuermann, 2001: 62; Delacy, 2019: 246; ibid.: 919) و vačār صورت تلفظی دیگری از همین واژه است.

واژه śkaṇḍ در زبان گجراتی با زبان هندی تفاوت دارد. زبان گجراتی زبان هند و اروپایی رایج در ایالت گجرات هند است. این زبان یکی از ۲۲ زبان رسمی هند است که دارای بیش از ۴۶ میلیون گویشور در جهان است. پارسیان هند پس از مهاجرت از ایران به هندوستان، با گذشت زمان زبان فارسی را فراموش کرده و به زبان گجراتی پارسی سخن می‌گفتند و اکنون نیز بدین زبان سخن می‌گویند.

در زبان گجراتی واژه śikhā اسم مؤنث به معنی «بالاترین درجه، ستیغ، اوج (= crest)» است و واژه śikhāu به معنی «۱. صفت: آموزنده، کسی که هنوز تحصیلاتش تمام نشده، وابسته به دوره کارآموزی یا آزمایشی؛ ۲. اسم مذکر یا مؤنث: کارآموز، نوآموز، مبتدی، (در میان گروه‌های مذهبی) عضو جدید که هنوز سوگند نخورده، نووارد، تازه‌گرویده» است (Belsare, 1993: 1085). همچنین فعلی به صورت śikhāḍavū معادل فعل śikhavavūñ که فعلی سببی است، در زبان گجراتی وجود دارد که به معنی «۱. آموزگاری کردن، آموزاندن، یاد دادن؛ ۲. برانگیختن، طرح کردن» است و فعل دیگری نیز به صورت śikhvū وجود دارد که به معنی «آموختن، فراگرفتن، تحصیل کردن» است (ibid. 1084-5). فعل śikhavavūñ به صورت śikhavavūñ نیز در زبان گجراتی وجود دارد. همچنین فعل śikhvuñ صورت دیگری به شکل sikvuñ دارد (Tisdall, 184: 1892). فعل śikhavavūñ در زبان هندی به صورت śikhvānā وجود دارد که فعل سببی به معنی «سبب آموزش دادن شدن (به وسیله)، آموزاندن؛ راهنمایی دادن (به)» است و همچنین فعل śikhānā در زبان هندی به معنی «۱. آموزگاری کردن، یاد دادن؛ راهنمایی کردن؛ ۲. پند دادن، برانگیختن، پیشنهاد کردن (به)؛ ۳. درس دادن (به یکی)، درست کردن (یکی)» است و

بررسی نام کتاب شکند گمانیک ویچار ... (پورچیستا گشتاسی اردکانی) ۲۱۱

sikhnautu در زبان هندی، اسم مذکر به معنی «یک یادگیرنده، مبتدی، نوآموز» است (McGregor, 2006: 1013). این واژه‌ها با واژه śkaṇḍ ارتباط نزدیک دارند، اما همه این واژه‌های گجراتی و هندی از ریشه سنسکریت śikṣ- «آموختن» هستند (Rhys Davids & Stede 2009: 783, 784). پس برای بررسی دقیق‌تر این واژه، ترجمه سنسکریت دستور نریوسنگ را نیز از نام کتاب مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در زبان گجراتی واژه gumānī، صفت به معنی «۱. افتخارآفرین، سرافرازکننده؛ ۲. به خود بالنده، به خود نازنده؛ ۳. مغرور، متکبر» است (Belsare, 1993: 367). واژه vicār در زبان گجراتی اسم مذکر به معنی «۱. اعتقاد، عقیده؛ نظر، نگرش؛ پنداشت، فتوا؛ تأمل، تفکر؛ ۲. اندیشه، فکر؛ یک مشکل و نگرانی؛ ۳. کند و کاو، رسیدگی؛ ۴. ژرف‌اندیشی، چاره‌جویی؛ ۵. مکاشفه مذهبی؛ ۶. تصمیم، اراده» است (ibid.: 1056).

در بند ۳۹ فصل نخست که نویسنده دلیل نامگذاری کتاب را آورده است، در متن پازند «pa gumā vazārī» و در متن پهلوی «pad gumān vičārīh/wačārīh» آمده است. ترکیب gumā vazārī که نویسنده کتاب آن را در متن آورده است از زبان گجراتی وارد متن شده است. واژه gumān در زبان گجراتی به معنی «۱. افتخار، سرافرازی؛ ۲. غرور، تکبر؛ ۳. خودبینی، خودپسندی؛ ۴. گمان، شک، تردید» است (Belsare, 1993: 367). در زبان گجراتی فعل vicārvū به معنی «۱. فکر کردن؛ ۲. اندیشیدن؛ ۳. ژرف‌اندیشی کردن؛ ۴. تعمق کردن؛ ۵. (با استدلال) قانع کردن، دلیل و برهان آوردن؛ ۶. در فکر و ذهن پروراندن، مورد تفکر قرار دادن در ذهن» (ibid.: 1056) است. در زبان گجراتی واژه vicārī به معنی «تفکر» و مشتق از صورت سنسکریت vicāra است (Dave 1935: 184) و gumān vičārī به معنی «تفکر با سرگشتگی، تفکر با این سو و آن سو رفتن و چرخیدن، تفکر همراه با تردید و سرگردانی» است.

۵. نام کتاب و دلیل نامگذاری کتاب با این نام در ترجمه سنسکریت متن پازند

برای اینکه به معنی دقیق نام کتاب و دلیل نامگذاری آن برسیم، ترجمه سنسکریت را که توسط دستور نریوسنگ دهاول نوشته شده است، مورد بررسی قرار می‌دهیم. در ترجمه سنسکریت دستور نریوسنگ برای نام کتاب، معادل Skandagumānīgujāra آورده شده است که این ترکیب به زبان گجراتی هندی است و جزء نخست این نام تنها به سنسکریت است و دو جزء پسین این نام از گجراتی توسط دستور نریوسنگ در ترجمه سنسکریت آورده شده است و صورت سنسکریت نیست و به زبان گجراتی است. واژه skanda در زبان گجراتی هندی با اصل

سنسکریت، در زمان نگارش متن پازند، هنوز مورد استفاده بوده است (واژه *skanda* در قرن شانزدهم میلادی هنوز در متون گجراتی، در ترکیبات به همین صورت کاربرد داشته است. (برای آگاهی بیشتر درباره نوشتار متون گجراتی در آن زمان بنگرید به Dave 1935: 70-112. مثلاً در ترکیب *skandakumāra* (81) (ibid.:)) و این واژه در ترکیب نام کتاب، که دستور نریوسنگ در ترجمه سنسکریت خود آورده است، جزء نخست ترکیب را تشکیل می‌دهد و دستور نریوسنگ در متن پازند آن را به صورت *škañd* آورده است، که در آن *a*- در انتها حذف شده و *s* با *ś* در گجراتی پارسی جایگزین شده است. در حقیقت، در ترکیب *Skandagumānīgujāra*، برای جزء نخست این نام یعنی *Skanda* در زبان سنسکریت، *skandhá* اغلب اوقات به کار می‌رود زیرا *skandh* گاهی اوقات نوشته شده است، برای همین به معنی اسم مذکر «یک فرزانه، آموزگار» در اینجا به کار رفته است (Monier-Williams 1999: 1256). این واژه معادل واژه *sikand* و *śikand* در گجراتی پارسی است که *i* به صورت واکه میان‌هشت به واژه افزوده شده است و هر دو صورت *s* و *ś* می‌تواند در ابتدای واژه خوانده شود، زیرا این ترکیب در برخی نوشته‌های گجراتی پارسی به صورت *Sikand-Gumānik Vijār* آمده است (Hodivala, 1920: 52). همان‌گونه که برای واژه *gumānī* در گجراتی توضیح داده شد، این واژه همان معانی را دارد. واژه *gujāra* که در گجراتی نو به صورت *gujār* است، صفت به معنی «۱. گذراننده، عبوردهنده؛ ۲. ارائه‌کننده، ایجادکننده، نشان‌دهنده (در دادگاه قانون)؛ ۳. رخ‌دهنده، روی‌دهنده» و برگرفته از فعل *gujārvañ* به معنی «۱. از راهی گذراندن، (وقت) گذراندن؛ ۲. ارائه کردن، ایجاد کردن، نشان دادن (در دادگاه قانون)؛ ۳. اتفاق افتادن، روی دادن» است (Belsare, 1993:364; Panday & Shah, 1892: 197). معادل واژه *gujār*، واژه *guzār* در زبان هندی است که صفت به معنی «۱. کنشگر، عبوردهنده؛ ۲. انجام‌دهنده؛ ۳. ارائه‌دهنده» است که در فارسی هم به صورت *guzār* است. معادل فعل *gujārvañ* در زبان هندی فعل *guzārnā* است که به معنی «گذراندن؛ گذراندن (وقت یا زندگی کسی)، کامل کردن؛ ۲. گذاشتن (هدیه یا چیز دیگری) قبل از (یکی)» است (McGregor, 2006: 268). در زبان گجراتی قاعده‌ای هست که صداهای *Z* اردو و فارسی (و حروف *ظ* و *ض* و *ذ* در کلماتی که از عربی وارد آن زبان‌ها شده‌اند) در گجراتی *z* می‌شوند (Tisdall, 1892: 103). از این رو واژه *guzār*، در گجراتی *gujār* می‌شود.

اکنون که مشخص شد نام کتاب از زبان گجراتی است برای روشن شدن معنای واژه *gumānī* در زبان گجراتی، معنی فعل گمان کردن را در این زبان می‌یابیم. در زبان گجراتی، فعل *gumān karvañ* به معنی «۱. گمان کردن، شک داشتن؛ ۲. معتقد بودن، اعتقاد داشتن؛ ۳. فکر

کردن، اندیشیدن؛ ۴. مفتخر بودن، مغرور بودن؛ ۵. به خود بالنده بودن، به خود نازنده بودن» است (Belsare, 1993:367; Panday & Shah, 1892: 200). با توجه به این معانی و معانی واژه gumānī در بخش پیشین، آن را می‌توان به صورت «۱. مشکوک؛ ۲. معتقد؛ ۳. متفکر؛ ۴. افتخارآفرین، سرافرازکننده، مغرور؛ ۵. به خود بالنده، به خود نازنده» معنی کرد.

دلیل نامگذاری کتاب که در بخش پیشین مطرح شد، در ترجمه سنسکریت به صورت ترکیب bhrāntivicāraṇatā آورده شده است که از دو جزء تشکیل شده است که عبارت‌اند از: جزء اول bhrānti که اسم مؤنث به معنی «۱. سرگردانی یا پرسه زدن در مورد، به این سو و آن سو رفتن، راندن (ابرها)، لرزش (از صاعقه)، گیج کننده، دَوْران؛ ۲. چرخش، غلتیدن (چرخ‌ها)؛ ۳. دور زدن، طواف کردن؛ ۴. هذیان، سرگشتگی، حیرت، گمان، تردید، اشتباه، کژباوری، خطا، عقیده اشتباه، برداشت غلط از، اشتباه گرفتن چیزی برای، حدس زدن هر چیزی که باشد» است (Monier-Williams 1999: 770). جزء دوم vicāraṇatā مشتق شده از vicāra است. vicāra در زبان سنسکریت، اسم مذکر به معنی «۱. نحوه اقدام یا اقدام، روش، شیوه؛ ۲. تغییر مکان؛ ۳. تأمل، اندیشه، ژرف‌اندیشی، ملاحظه، رسیدگی، تفکر، ژرف‌سنجی، کندوکاو؛ ۴. تردید، دودلی؛ ۵. یک حدس احتمالی؛ ۶. بحث کردن، تبادل افکار؛ ۷. دوراندیشی» است (ibid.: 958). این ترکیب دو جزئی به معنی «تفکر دچار کژباوری، تفکر با عقیده اشتباه، تفکر همراه با سرگشتگی، تفکر همراه با تردید، تفکر دچار برداشت غلط» است. این ترکیب معادل ترکیب gumān vicārī در گجراتی، gumāṇ vazārī در پازند و gumān wačārī/wičārī در پهلوی است. چنانکه مشاهده می‌شود در این ترکیب، مشتق واژه vicāra در سنسکریت به کار رفته است، پس vicār در این ترکیب دقیقاً همان معنی را باید داشته باشد. از این رو ترکیب gumāṇ vazārī و gumān wačārī/wičārī به همان صورت سنسکریت معنی می‌شود. زیرا واژه gumān در gumān vicārī در زبان گجراتی، با bhrānti در سنسکریت هم‌معنی است و واژه vicārī نیز در زبان گجراتی، معادل واژه vichāraṇatā در سنسکریت است.

همان‌گونه که آورده شد، نام کتاب از زبان گجراتی توسط نویسنده بر کتابش نهاده شده است. دستور نریوسنگ برای اینکه نام کتاب توسط خوانندگان به صورت دیگری معنی نشود، دقیقاً همان صورت گجراتی را که نویسنده کتاب در نظر داشته در ترجمه سنسکریت خود آورده است، برای اینکه śkaṇd با توجه به معنی آن در زبان گجراتی معنی شود، و چنانکه در بند ۳۸ از فصل نخست کتاب آمده، مردان فروخا خودش این نام را بر روی کتاب نهاده است و می‌توان گفت که این نام ساخته خود مردان فروخا است. اگر در متن پازند دقت کنیم، نویسنده

پازند بین سه جزء این ترکیب خط تیره گذاشته است، یعنی این واژه مرکب است و ترکیبات در زبان هندی یا گجراتی پیوسته و بدون فاصله یا خط تیره نوشته می‌شوند. با توجه به معنی *śkaṇḍa* و *skaṇḍa* در زبان گجراتی که در بخش پیشین آورده شد و واژه *gumānī* و همچنین واژه *gujār* در گجراتی، نام کتاب را به صورت *Skaṇḍagumānīgujāra* در زبان گجراتی هندی و *Śkaṇḍgumānīgujār* در زبان گجراتی پارسی، به معنی «آموزگار ایجادکننده (شخص) معتقد، آموزگار ایجادکننده (شخص) افتخارآفرین، آموزگار عبوردهنده (شخص) مشکوک، آموزگار ارائه‌کننده (شخص) متفکر، آموزگار ایجادکننده (شخص) به خود بالنده» در نظر می‌گیریم. موصوف صفت *gumānī* در این ترکیب حذف شده است و این صفت جانشین موصوف گشته است. بدین سبب در ترجمه این ترکیب، واژه «شخص» را به عنوان موصوف حذف شده می‌آوریم. این نام بر روی جلد نسخه چاپ‌شده پازند و سنسکریت که توسط وست و جاماسب‌آسانا در بمبئی منتشر شده است و نیز بر روی جلد کتابی که دومناش به چاپ رسانده است، به شکلی آمده که بین دو جزء نخست خط تیره آمده است، یعنی بر روی جلد کتاب وست و جاماسب‌آسانا به صورت *SHIKAND-GUMĀNĪK VIJĀR* و بر روی جلد کتاب دومناش به صورت *ŚKAND-GUMĀNĪK VIČĀR* آمده است و این آن چیزی نیست که نویسنده پازند آورده است، چون نویسنده پازند ترکیب را به صورت *Śkaṇḍ-gumānī-vazār* آورده است و همانگونه که مشخص شد در ترجمه سنسکریت نیز نام کتاب به صورت ترکیبی کاملاً پیوسته به هم آورده شده است، پس باید بین جزء دوم و سوم نیز خط تیره داشته باشد. دلیل نامگذاری کتاب نیز که به صورت *pa gumaṇ vazarī* در متن پازند آمده است، *gumān vicārī* در زبان گجراتی هم‌معنی با *bhrāntivichāraṇatā* در ترجمه سنسکریت دستور نریوسنگ است و به معنی «تفکر دچار کژباوری، تفکر دارای عقیده اشتباه، تفکر همراه با سرگشتگی، تفکر همراه با تردید، تفکر دچار برداشت غلط» است. مطابق با یافته‌های به دست آمده، بند ۳۸ و ۳۹ از فصل نخست *شکند گمانیک ویچار/وچار* را می‌توان چنین معنی کرد:

۳۸ و این گفتارهای خلاصه را که از آن پرسش‌های [های] خواهندگان راستی است، و آن را از کتاب و یادگار دانایان و راستان و دستوران پیشین و به ویژه آن نیک‌فروهر (= آمرزیده) آدرپادیوندان چیدم و گزیدم، بر این یادگاران «شکندگمانی گجارجار (= آموزگار ایجادکننده (شخص) معتقد، آموزگار ایجادکننده (شخص) افتخارآفرین، آموزگار عبوردهنده (شخص))

بررسی نام کتاب شکند گمانیک ویچار ... (پورچیستا گشتاسی اردکانی) ۲۱۵

مشکوک، آموزگار ارائه‌کننده (شخص) متفکر، آموزگار ایجادکننده (شخص) به خود بالنده نام نهادم.

۳۹ چون برای «تفکر دچار کژباوری، تفکر با عقیده اشتباه، تفکر همراه با سرگشتگی، تفکر همراه با تردید، تفکر دچار برداشت غلط» نوآموزان بسیار بایسته است بر بدانستن راستی و باورداشتگی (= ایمان)، و راستی دین به و مقابله با تکبر جداییکاران (= متخاصمان).

در بند ۳۹ واژه wābarīgānīh را «باورداشتگی، ایمان» (فروهوشی، ۱۳۹۰: ۵۸۹) و واژه škōh را «تکبر» معنی می‌کنیم (همان: ۵۳۶).

نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که vazār در Škañd-gumañī-vazār و vazārī در gumañ vazārī دارای یک معنی نیستند، و vazār از gujār در گجراتی و vazārī از vicārī در گجراتی است که چون دستور نریوسنگ دارای گویش Pāñdārī بوده، vicār را به صورت wacār تلفظ می‌کرده است (Grierson 1908: 402). همچنین نمی‌توان vazār را به صورت «گزارش، رفع‌کننده» و vazārī را به صورت «رفع کردن، گزاردن» معنی کرد، با اینکه این واژه‌ها از ریشه kar- و از *vi-čār- هستند که č در پازند یا پهلوی می‌تواند به z تبدیل شود (Cheung, 2007: 236-8). آشه واژه vazār (پهلوی: vizār) را به معنی «رفع‌کننده» و vazārī (پهلوی: vizārīh) را به معنی «رفع کردن» گرفته است (Asha, 2015: 4, 39).

۶. دیگر یافته‌های این پژوهش

نام نویسنده کتاب در متن پازند در بند ۳۵ فصل نخست که نویسنده خودش را معرفی می‌کند، به صورت mardā-frōxa i hōrməzd-dāṭ آمده است:

35 a mən Mardā-frōxa i Hōrməzd-dāṭ hom m̄ pasāzašni kard čuñ m̄n dī āndar
ōyām vas-sardaī vas-dīnī vas x^ʷaškārašnī i kēšā. (Jamasp-asana and West, 1887: 7)

و در متن پهلوی به صورت Mardān frōxa ī Ohrmazd-dādān آمده است که پسوند -ān در Ohrmazd-dādān پسوند نسبت است:

35 ān man Mardān frōxa ī Ohrmazd-dādān hom ēn passāzišn kard čiyōn man
dīd andar āwām was-sardagīh was-dēnīh was uskārīšnīh ī kēšān. (Jamasp-asana
and West, 1887: 185).

۳۵ آن من مردان فروخای هُرمزددات هستم که این تألیف را کردم، چون من در زمانه بس نوع، بس دین، بس اندیشه کیش‌ها را دیدم.

اگر در متن پهلوی با دقت بنگریم همان Mardān-frōxa آمده است زیرا املائی frōxa به صورت plwh^۱ آمده است. در صورتی که اگر واژه farrox خوانده شود، باید به صورت plhw^۱ (MacKenzie, 1986: 32) می‌آمد.

این نام، نامی هندی است و در میان پارسیان هند به صورت Mardānfrōkha تلفظ می‌شود، چون در زبان هندی همیشه حرف kh به صورت k تلفظ می‌شود که به صورت کـهـ مرکب است و با حرف خ در زبان فارسی تفاوت دارد. آمدن خط تیره بین دو جزء نام نویسنده که «مردان فروخا» نام دارد و بین دو جزء نام پدر او که «هَرمزددات» نام دارد، نشانگر این است که این دو واژه مرکب هستند و در زبان و خط هندی و گجراتی پیوسته نوشته می‌شوند. Mardān farox یکی از نام‌های اصیل هندی است و نامی است که پارسیان هند برای نامیدن فرزند پسر خود به کار می‌برند (Indiachildnames.com). همچنین این نام در برخی از نوشته‌های گجراتی پارسی به صورت Mardān farukha آمده است (Hodivala, 1920: 147). این نام به معنی «فرخ‌ترین در میان مردان، خوشبخت‌ترین از میان مردان» است. تا کنون همه پژوهشگران این نام را به همان صورت Mardān farrox خوانده‌اند و هندی بودن این نام را تشخیص نداده‌اند. نام پدر او نیز از زبان هندی در متن آمده است و Hormazdad یکی از نام‌های اصیل هندی است به معنی «آفریده هرمزد» که اکثراً پارسیان برای نامیدن فرزند پسر خود به کار می‌برند و این اسم با پسوندهایی به صورت Hormazdadji و Hormazdad bhai نیز به کار می‌رود (Indiachildnames.com).

نام اشخاصی که توسط پازندنویس در متن کتاب شکند گمانیک و یچار نوشته شده است و مردان فروخا از آنان نام برده است، نام‌هایی است که در میان پارسیان هند کاربرد دارد. در زبان هندی Adarpadyavandan نامی اصیل و هندی است که پارسیان این نام را برای نامیدن فرزندان خود به کار می‌برند و به معنی «(منسوب به) پادیاب‌کننده آتش، تطهیرکننده آتش» است. نام شخصی که مردان فروخا از او در متن پازند کتاب با نام Mihir-ayār i mahmāda نام می‌برد (Jamasp-asana and West, 1887: 10)، از زبان هندی و گجراتی به متن وارد شده است و در زبان گجراتی به صورت Meheryar mahmadan است و تلفظ آوایی آن در زبان گجراتی به صورت Meheryār mahmādān است. حروف دوگانه در کلمه‌ای مانند Muhammad، وقتی به زبان گجراتی وارد می‌شوند، مجرد می‌شوند و Muhammad به Mahamad تبدیل می‌شود

(Tisdall, 1892: 103). زبان گجراتی همچنین ā را به a ترجیح می‌دهد، از این رو mākhan را برای هندی makkhan ترجیح می‌دهد (ibid.: 101). از این رو واژه Mahamad توسط نویسنده کتاب به صورت Mahmād در آمده است. در زبان گجراتی واژه Mahamadān یا همان Mahmādān برابر با واژه Muhammadān و Musalmānī است که هر دو صفت و به معنی «مسلمانی، منسوب به دین اسلام» است (ibid.: 177). همان‌گونه که به شخصی که پیرو دین زردشت است، زردشتی گفته می‌شود، در زبان گجراتی نیز به شخصی که پیرو دین اسلام است، Mahamadān یا Musalmānī گفته می‌شود. در گجراتی همچنین Mahamad برای نام محمود و برای Maḥmūd of Ghaznī یعنی «محمود غزنوی» استفاده می‌شود و نام Mahamad یک نام رایج در میان مسلمانان است (ibid.: 174). در زبان هندی واژه Mihir، اسم مذکر به معنی «خورشید» است (McGregor, 2006: 814) و واژه mehar اسم مؤنث به معنی «مهربانی، لطف» است (Delacy, 2019: 223) و نام Meher در زبان گجراتی پارسی به معنی «خورشید؛ عشق، دوستی؛ پیمان، قرارداد؛ نام فرشته (ایزد)؛ نام روز شانزدهم و ماه هفتم» (avesta.org/znames) و از اوستایی miθra- اسم مذکر به معنی «پیمان، توافق، قرارداد» (Bartholomae, 1961: 1183) است. در زبان هندی واژه yār، اسم مذکر به معنی «۱. دوست؛ ۲. عاشق، هواخواه» است (Delacy, 2019: 226; Schuermann, 2001: 63; McGregor, 2006: 844). نام Mihiryār یک نام اصیل هندی به معنی «عاشق مهر، هواخواه خورشید» و همچنین «یار ایزد مهر» است که در زبان گجراتی پارسی به صورت Meheryar نوشته می‌شود. این نام در میان پارسیان به صورت «دوست عشق» نیز معنی شده است (avesta.org/znames) و نامی است که پارسیان برای نامیدن فرزندان خود به کار می‌برند و ممکن است نام Meheryar پسوندی نیز داشته باشد و به صورت Meheryarji و Meheryar bhai نیز به کار رود (Indiachildnames.com). جالب توجه این که Meheryar با صفت «مسلمانی، منسوب به دین اسلام» از طرف مردان فروخا مورد خطاب قرار گرفته است و Mihir-ayār i mahmāda به معنی «مهریار پسر محمد» نیست. در بند دوم از فصل دوم کتاب که نویسنده برای نخستین بار از او نام می‌برد، به دنبال آوردن نام او می‌گوید ǝž spāhān، و شاید بتوان گفت که منظور از «از اصفهان» این است که خانواده مهریار مهادان از اصفهان به هند آمده‌اند و از ایران به هندوستان مهاجرت کرده‌اند و از پارسیان هند هستند:

متن پازند:

2 awar pursašni ǝučaṇd i hamē pērōžgar Mihir-ayār i Mahmāda ǝž spāhān vahə-manišnihā nē halaa-x'āhišnihā pursaṇ pāsux (Jam asp-asana and West, 1887: 10, 11).

متن پهلوی:

2 abar pursišn ēwčand ī hamē pērōzgar Mihr-ayār ī Mahmādān az spāhān weh-menišnīhā nē halag-xwāhišnīhā pūrsīd passox (Jamasp-asana and West, 1887: 185).

۲ دربارهٔ چند پرسش که مهرآیارِ مسلمانی همیشه پیروزگر از اصفهان، با نیک‌اندیشی و نه با آشوب‌خواهی، پاسخ پرسید.

واژه *hallā/hallaa*: [*halla-] در زبان هندی اسم مذکر به معنی «۱. جنجال، غوغا؛ فریاد، فریادِ اعتراض؛ شورش. ۲. حمله به مقدّسات» است (McGregor 2006: 1064) و در زبان اردو نیز اخذ شده از زبان هندی و اسم مذکر به معنی «حمله به مقدّسات؛ جنجال؛ با گفتار به دیگری حمله کردن؛ آشوب» است (Muhajir Ali Mus 1988: 817). این واژه در ترکیب *halaa-xwāhišnīhā* «با خواستن حمله به مقدّسات، با آشوب‌خواهی» در متن پازند آمده است. این واژه توسط پازندنویس به صورت *halā/halaa* تلفظ می‌شده است.

دومناش به نقل از وست ذکر می‌کند که نام مهرآیار در کتیبه‌های غار کانهری آمده است و همچنین دومناش ذکر کرده است که مهرآیار پسرِ محمد و مسلمان است و این بحث‌ها در جامعهٔ دینی آن زمان میان پیروان اعتقادات مختلف متفاوت بوده است و بحثی را مبتنی بر گفته‌های معتزله و اشعریون پیش می‌کشد (De Menasce, 1945: 36). آشه نیز در کتاب خود آورده است *Mihrayyār son of Muḥammad* و مهریار را پسر محمد و پدرش را مسلمان دانسته است و آورده است که این شخص که در جای دیگر از او نام برده نمی‌شود، احتمالاً یک فرد غیر روحانی بوده و یک پرستندهٔ مزدا بوده، اگرچه نام پدرش محمدان، محمد یا محمود است. پارسی‌ها تحت یک حکومت محمدی اغلب نام‌های محمدی را اتخاذ می‌کردند، زیرا آنها نام‌های هندو را نیز در هند گرفتند، اما، در این مورد، احتمالاً احتمال بیشتری وجود دارد که پدر پس از بزرگ شدن پسرش، به مذهب محمدی گرویده باشد و بر این اساس نام خود را تغییر دهد (Asha, 2015: 43). امریک و ماتسوخ نیز در کتاب خود ذکر نموده‌اند که نام مهریار مهمدان (*Mihrayār ī Mahmādan*) نامی عجیب است که این نام نشان می‌دهد که وی زردشتی و از خانواده‌ای نومسلمان بوده است و در یادداشت پانویس همان صفحه ذکر کرده‌اند که نام نخست زردشتی است درحالی که نام خانوادگی محمد یا محمود است و این نام اگر درست نوشته شده باشد، نشان می‌دهد پدر او مسلمان است (امریک و ماتسوخ، ۱۳۸۹: ۱۸۹). حتی

دستور نریوسنگ هم متوجه این موضوع نشده است و تصور می‌کرده که این واژه به معنی پسر مه‌ماد است و در ترجمه سنسکریت آن، Mahamādasya putro را آورده است (Jamasp-asana and West, 1887: 10). در غارهای بودایی کانهری در سالست در نزدیکی بمبی پنج سنگ‌نوشته به خط پهلوی کتابی وجود دارد. در همه این کتیبه‌ها پس از روز و ماه و سال، نام زردشتیانی آمده است که از غار دیدن کرده‌اند (تفضلی، ۱۳۹۸: ۱۰۰). نام مهرآیار نیز در این کتیبه‌ها آمده است که نشان می‌دهد او زردشتی بوده است اما با توجه به صفت «Mahmādān (= مسلمانی)» به دین اسلام گرویده است. چنانکه پیداست مهریار مسلمان پرش‌هایی را مطرح کرده است و مردان فروخا نویسنده کتاب با استفاده از فلسفه مذهبی استدلالاتی را برای پاسخ دادن به پرسش‌های او به کار می‌برد و پاسخ این پرسش‌ها برای مقابله با اعتقادات مهریار مسلمان است و جالب توجه اینکه نویسنده با احترام بسیار او را با صفت همیشه پیروزگر خطاب می‌کند و با فروتنی پاسخ پرسش‌های او را می‌دهد.

می‌توان این احتمال را داد که مردان فروخا این کتاب را در هندوستان تألیف کرده است و وی آموزگار دین و فلسفه مذهبی بوده است و شاگردانی نیز داشته و این کتاب را برای نوآموزان تألیف کرده است. برای همین نام کتاب را از زبان گجراتی انتخاب کرده است و در این کتاب واژه‌های هندی و گجراتی آمده است. چون در آن زمان مرسوم نبوده است که نویسنده در کتابش از مکان زندگی، شغل، سن، محل تألیف کتاب و اینکه کتاب را به چه خط و زبانی می‌نویسد، اطلاعاتی را بیاورد، اطلاعات ما درباره او کامل نیست. کسی که کتاب شکند گمانیک ویچار را به سنسکریت ترجمه کرده است، نریوسنگ فرزند دهاول، دستور معروف پارسیان مقیم هند است. وی در اواخر سده دوازدهم میلادی در سنجان، شهری که زردشتیان پارسی بدانجا مهاجرت کردند، می‌زیست و با تبجری که در زبان‌های پهلوی و سنسکریت و اوستا داشت، قسمت‌هایی از اوستا را به زبان سنسکریت ترجمه کرد (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۶: ذیل مدخل «نریوسنگ»). سده دوازدهم میلادی بخشی از قرون وسطی به حساب می‌آید و چون در آن هنگام بحث‌های کلامی و فلسفی مذاهب گوناگون برای دفاع از عقاید دینی وجود داشته است، می‌توان گفت احتمالاً در آن زمان در هند نیز فلسفه مذهبی تدریس می‌شده است و نوآموزان بسیاری برای یادگیری آموزش‌های دینی، خواندن متون دینی زردشتی و یادگیری متون کلامی و فلسفی به آموزگاران که در مدارس مذهبی تدریس می‌کرده‌اند مراجعه کرده و مشغول به تحصیل می‌شده‌اند.

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش نام کتاب *شکند گمانیک ویچار* و دلیل نامگذاری آن مورد بررسی قرار گرفت. چون نویسنده کتاب پس از سفر به هندوستان کتاب را تألیف کرده است، در زبان هندی و گجراتی و ترجمه سنسکریت دستور نریوسنگ، جستجو و بررسی برای نام کتاب و دلیل نامگذاری آن صورت گرفت. پس از جستجوی نام کتاب در زبان هندی و گجراتی و ترجمه دستور نریوسنگ مشخص گردید که هم نام کتاب و هم دلیل نامگذاری آن از زبان گجراتی در متن پازند کتاب آمده است. بنابراین فرضیه‌ای که در ابتدای پژوهش مطرح شده بود، با انجام این پژوهش به اثبات رسید و تأیید گردید. طبق یافته‌ها مردان فروخا پس از سفر به هندوستان در آنجا اقامت گزیده است و زبان گجراتی پارسی را از پارسیان هند فرا گرفته است و نام کتاب خود را از زبان گجراتی هندی به صورت *Skaṇḍagumānīgujāra* که در ترجمه سنسکریت دستور نریوسنگ آمده، و از زبان گجراتی پارسی به صورت *Skaṇḍgumānivazār* که در متن پازند کتاب آمده است، بر کتاب نهاده است. این نام یک ترکیب گجراتی سه‌جزئی است که در زبان گجراتی، چنانکه در ترجمه سنسکریت دستور نریوسنگ نیز آمده است، کاملاً پیوسته نوشته می‌شود و به معنی «آموزگار ایجادکننده (شخص) معتقد، آموزگار ایجادکننده (شخص) افتخارآفرین، آموزگار عبوردهنده (شخص) مشکوک، آموزگار ارائه‌کننده (شخص) متفکر، آموزگار ایجادکننده (شخص) به خود بالنده» است. پس نمی‌توان آن را چنانکه پژوهشگران پیشین معنی کرده‌اند، به صورت «گزارش گمان‌شکن» یا «رفع‌کننده شک» معنی کرد. دلیل نامگذاری کتاب با این نام که به صورت *pa gumaṇḍa vazarī i nō amōžaga* در متن پازند کتاب آمده است، در زبان گجراتی *vicārī/wacārī gumān* به معنی «تفکر با سرگشتگی، تفکر با این سو و آن سو رفتن و چرخیدن، تفکر همراه با تردید و سرگردانی» است و دلیل نامگذاری را می‌توان با توجه به صورت گجراتی و ترجمه سنسکریت آن، به صورت «برای «تفکر دچار کژباوری، تفکر با عقیده اشتباه، تفکر همراه با سرگشتگی، تفکر همراه با تردید، تفکر دچار برداشت غلط» نوآموزان» در نظر گرفت و آنچه پژوهشگران پیشین به صورت «برای رفع شک و تردید نوآموزان» مطرح کرده‌اند، در نظر نویسنده کتاب و پازندنویس نبوده است. همچنین چون مردان فروخا کتاب خود را در هندوستان تألیف کرده است، از اشخاصی در کتاب نام برده است که نام آنان هندی یا گجراتی پارسی است. شخصی به نام *adarpadyavandan* با تلفظ آوایی *ādarpādyāvandān* به معنی «(منسوب به) پادیاب‌کننده آتش، تطهیرکننده آتش» یا شخصی با نام *Mihirayār mahmādān* به معنی «مهریار مسلمان» که در کتاب به عنوان فردی مسلمان،

بررسی نام کتاب شکند گمانیک ویچار ... (پورچیستا گشتاسبی اردکانی) ۲۲۱

پرسش‌هایی را مطرح می‌کند و نویسنده به آن‌ها پاسخ می‌دهد، هر دو نامی هندی دارند و نام آن‌ها نامی است که پارسیان هند برای نامیدن فرزندان پسر خود به کار می‌برند و به نظر می‌رسد آن‌ها در هند زندگی می‌کنند و حتی خود نویسنده در متن پازند کتاب با نامی هندی از خود نام می‌برد و خود را Marda-frōxa پسر Hōrməzd-dāī معرفی می‌کند و نام Mardan faroxa یکی از نام‌های اصیل هندی به معنی «فرخ‌ترین از میان مردان» است و پارسیان برای نامیدن فرزند پسر خود آن را به کار می‌برند. از این یافته‌ها می‌توان چنین برداشت کرد که نویسنده برای پژوهش بیشتر در دین مزدیسنی به هندوستان سفر کرده تا در آنجا به کتاب‌های نویسندگان پارسی دسترسی پیدا کند و حتی از دینکرد که نوشته آذرفرنبغ فرخزادان است بهره بگیرد تا بتواند کتاب شکند گمانیک ویچار را به رشته تحریر درآورد و آن را در دسترس نوآموزان قرار دهد که آنها از مطالب کتاب برای شناخت بیشتر دین مزدیسنی بهره ببرند و به دلیل اقامتی که در آنجا داشته است، زبان هندی و گجراتی را فرا گرفته و در کتابش واژه‌ها و اسامی هندی و گجراتی پارسی را آورده است.

کتاب‌نامه

- امریک، رونالد و ماتسوخ، ماریا (۱۳۹۳)، *تاریخ ادبیات فارسی، ادبیات ایران پیش از اسلام*، ترجمه فارسی زیر نظر ژاله آموزگار، چاپ نخست، تهران: سخن.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۶)، *زبان، فرهنگ و اسطوره*، چاپ پنجم، تهران: معین.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۹)، *از گذشته‌های ایران*، چاپ دوم، تهران: معین.
- تفضلی، احمد (۱۳۹۷)، *تصحیح و ترجمه سوتگرنسک و ورشت مانسرنسک از دینکرد ۹*، چاپ نخست، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- تفضلی، احمد (۱۳۹۸)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، چاپ هشتم، تهران: سخن.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۵)، *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*، چاپ دوم، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۶)، *لغت‌نامه*، ذیل مدخل «نریوسنگ»، تهران: دانشگاه تهران (دوره جدید).
- شکیبا، پروین (۱۳۸۰)، *شرح و ترجمه کامل متن پازند شکند گمانیک ویچار*، ایلینویز، آمریکا.
- فروه‌شی، بهرام (۱۳۹۰)، *فرهنگ زبان پهلوی*، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
- گشتاسبی اردکانی، پورچیستا (۱۳۹۹)، *سودگرنامه سودگرنسک از کتاب نهم دینکرد*، چاپ نخست، تهران: روزآمد.

هدایت، صادق (۱۳۲۲)، گزارش گمان‌شکن، چاپ نخست، تهران: جاویدان.

- Asha, Raham (2015), *šak-ud-gumānīh-vizār* The Doubt-removing book of Mardānfarrox, Paris: Ermān.
- Bartholomae, Ch. (1961), *Altiranisches Wörterbuch*, Zusammen mit den Nacharbeiten und Vorarbeiten. Strassburg: Karl J. Trubner, 1904, reper. Berlin-NewYork, Walter de Gruyter.
- Belsare, M. b. (1993), *An Etymological Gujarati-English Dictionary*, New Delhi.
<https://archive.org/details/in.ernet.dli.2015.325084>
- Cereti, Carlo G. (2005), *Some Notes on the Škand Gumānīg Wizār*. Wiesbaden.
- Cereti, Carlo G. (2013), “Mardānfarrox ī Ohrmazddādān’s Škand Gumānīg Wizār on Judaism and Christianity,” *Nāme-ye Irān-e Bāstān* 12/1-2, pp. 47-66.
- Cereti, Carlo G (2014), “ŠKAND GUMĀNĪG WIZĀR.” *Encyclopaedia Iranica*.
- Cheung, J. (2007), *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*, Lieden, Brill.
- Dave, Trimbaklal (1935). *A STUDY OF THE GUJARATI LANGUAGE IN THE 16TH CENTURY*, LONDON.
- De Menasce, J. P. (1945), *Škand-Gumānīk Vichār*, Fribourg.
- Delacy, Richard (2019), *MINI HINDI DICTIONARY HINDI-ENGLISH ENGLISH-HINDI*, North America, Latin America and Europe Tuttle Publishing, Printed in China.
- Grierson, G. A. (1908), *LINGUISTIC SURVEY OF INDIA VOL. IX INDO-ARYAN FAMILY CENTRAL GROUP PART II, SPECIMENS OF RAJASTANI AND GUJARĀTĪ*. Motilal Banarsidass. Delhi. <https://archive.org/details/in.ernet.dli.2015.34951>
- Hodivala, Shapurji Kavasji (1920) *PARSIS OF ANCIENT INDIA*, Bombay.
- Karaka, Dosabhai Framji (1884), *History of the Parsis*, London.
<http://www.avesta.org/znames.htm>
<http://Indiachildnames.com>
- Jamasp-Asana, H. D. J. and West, E. W. (1887), *Shikand-Gumanik Vijar*, Bombay.
- Kumar, Kavita (2008), *HINDI-ENGLISH PHRASE BOOK*, Sixth Impression, New Delhi.
- Madan, D. M. (1911), *Pahlavi Dinkard, Part II*, Bombay.
- MacKenzie, D., n. (1986). *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford University Press, London.
- Modi, J. J. (1922), *The Religions Ceremonies and Costoms of The Parsees*, Bombay. *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees* (Bombay, 1922, pp. 10-11).
- Monier-Williams, Monier, Sir (1999), *A SANSKRIT-ENGLISH DICTIONARY*, Motilal Banarsidass, Delhi. <https://archive.org/details/in.ernet.dli.2015.31959>
- McGregor, R. S. (2006), *Oxford Hindi-English Dictionary*, New York: Oxford University Press.
<https://archive.org/details/the-oxford-hindi-english-dictionary>

بررسی نام کتاب شکند گمانیک ویچار ... (پورچیستا گشتاسی اردکانی) ۲۲۳

- Muhajir Ali Mus, Raza (1988), URDU-ENGLISH DICTIONARY, Ferozsons Ltd.,
<https://archive.org/details/feroze-sons-urdu-english-dictionary>
- Neryosang, translator (1913), SHIKAND GUMANIK VICHAR, in Ervad Shariarji D. Bharucha, editor, Collected Sanskrit writings of the Parsis, Pt. IV, Bombay.
- panday, R. & Shah, M. CH (1892), POCKET DICTIONARY, GUJARATI & ENGLISH, by
<https://archive.org/details/in.ernet.dli.2015.318259>
- Raffaelli, Enrico (2009), "The Astrological Chapter of the Škand Gumānīg Wizār." Kayd. Studies in the History of mathematics, Astronomy and Astrology in Memory of David Pingree, Roma 105–27.
- Rhys Davids, T. W. & Stede William (2009), The Pali text Society' s Pali-English Dictionary,
<https://archive.org/details/PTSPaliEnglishDictionary>
- Schuermann, Volker (2001), Bollywood Dictionary, Compiled and printed in Germany, April 2001 Converted into PDF in March 2003.
- Thrope, Samuel Frank (2012), "Contradictions and Vile Utterances: The Zoroastrian Critique of Judaism in the Škand Gumānīg Wizār." University of California, Berkeley.
- Thrope, Samuel (2015), "Unnecessary Angels: Jewish Angelology in the Škand Gumānīg Wizār." Iranian Studies 48(1):33–53.
- Timus, Mihaela (2010), "«A Browsing through the škand-Gumānīg Wizār», in: Carlo C. Cereti, Beniamino Melasecchi, Farrokh Vajifdar, eds., Varia Iranica. Orientalia Romana 7. Roma, Istituto Italiano per l’Africa e l’Oriente, 2004, pp. 73-108.(Serie Orientale Roma XCVII)." Abstracta Iranica. Revue bibliographique pour le domaine irano-aryen (Volume 30).
- Tisdall, William St. Clair (1892), A Simplified Grammar of The Gujarātī Language, LONDON.
<https://archive.org/details/simplifiedgramma00tisdiala>
- West, E. W., translator (1885), Shikand-gumanik Vijar, in his Pahlavi Texts, Part III, Oxford University press; reprint, 1994: Motilal Banarsidass, Delhi.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی